

Evaluation of Modern Spirituality in the Meaning of Human Life

Mehdi Nemati*, Seyd Sajad Jafari**

Abstract

Modernity, which represents newness, breaking from the past and entering an emerging future, has influenced all aspects of life, including religion, and is in conflict with the role of divine religions, including the role of religions in giving meaning to life, and is looking for a new meaning. It is from life. For this reason, the present research, by examining the role of modern spirituality in the meaning of life, seeks to answer the question, how does modern spirituality give meaning to life and what are its strengths and weaknesses? The method of descriptive-analytical research and data collection has been done using library resources. The results of the research have shown that modern spirituality also considers human life as having meaning and purpose, and having advantages such as emphasizing modern rationality, considering the conditions of modern man, reducing the pain of modern man... in the first place, in order to create the meaning of an attractive, reasonable life. And it seems efficient; However, due to being human-centered, the foundation only uses its own rationality to understand spirituality, and this initial image of modern spirituality is lost; Therefore, modern spirituality is limited to the minimum in the meaning of life and has a more pragmatist approach, which is a soothing and sedative method for humans.

Keywords: Spirituality, meaning of life, strengths, weaknesses

* PhD student at the University of Religions and Religions (Corresponding Author),
mnemati373@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Education, Farhangian University, sayyedjafari313@gmail.com

Date received:2022/01/13, Date of acceptance:2022/02/26



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ارزیابی معنویت مدرن در معنا بخشی زندگی انسان

مهدی نعمتی*

سیدسجاد جعفری**

چکیده

مدرنیته که بیانگر تازگی، گسست از گذشته و ورود به آینده‌ای در حال ظهور است، بر تمامی جنبه‌های زندگی از جمله دین تأثیرگذار بوده است و در تضاد با نقش ادیان الهی از جمله نقش ادیان در معنا بخشیدن به زندگی قرار گرفته و به دنبال معنای جدیدی از زندگی است. به همین جهت پژوهش حاضر با بررسی نقش معنویت مدرن در معنای زندگی به دنبال پاسخ به این سؤال است که معنویت مدرن چگونه به زندگی معنا داده و دارای چه نقاط قوت و ضعفی است؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر آن بوده است که معنویت مدرن نیز زندگی انسان را دارای معنا و هدف می‌داند و با داشتن امتیازاتی مانند تأکید بر عقلانیت مدرن، ملاحظه شرایط انسان مدرن، کاهش درد انسان مدرن... در وهله اول جهت ایجاد معنای زندگی جذاب، معقول و کارآمد به نظر می‌رسد؛ ولی به خاطر انسان‌محور بودن تنها از عقلانیت خود بنیاد برای شناخت معنویت استفاده می‌کند و این تصویر اولیه از معنویت مدرن از بین می‌رود؛ بنابراین معنویت مدرن در معنای زندگی به حداقل‌ها اکتفا کرده و بیشتر رویکردی پراگماتیستی دارد که روشی تسکینی و تخدیری برای انسان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: معنویت، معنای زندگی، نقاط قوت، نقاط ضعف

* دانشجوی دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول)، mnemati373@gmail.com

** استادیار گروه معارف دانشگاه فرهنگیان بوشهر، sayyedjafari313@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

انسان موجودی کمال‌گرا است که از بی‌هدفی و پوچی به شدت گریزان است، و زنده ماندنش زمانی دارای ارزش است که زندگی برایش دارای معنا و هدف باشد، در غیر این صورت دچار ناکامی شده و از زندگی احساس رضایت نخواهد داشت، به همین جهت در طول تاریخ یکی از مهم‌ترین مباحث مورد نظر اندیشمندان همواره پیدا کردن معنایی برای زندگی بوده است. تا زمانی که ادیان پاسخ‌گوی معنای زندگی بودند، انسان می‌دانست که چرا به دنیا آمده، چرا زندگی می‌کند و سرانجام به کجا خواهد رفت، با تغییراتی که در دنیای مدرن به وجود آمد به تبع آن تمام جنبه‌های زندگی انسان از جمله معنویت و برداشت از دین نیز دچار تحول شد. جهانی که به نظر می‌رسید هم‌چنان که دنیای مادی انسان را متحول کرده می‌تواند دنیای روحی انسان را نیز تغییر داده و انسان را به ساحل آرامش برساند، زمان زیادی نگذشت که احساس بی‌معنایی بر زندگی آدمیان نشسته و اضطراب و پوچ‌انگاری در همه‌جا سایه گستراند، به همین جهت ضرورت انکارناپذیر جست‌وجو و واکاوی معنای زندگی بیش‌ازپیش، خود را نشان داد و آتش پرسش از معنای زندگی و خاستگاه معنا بخشی به حیات بشری، بیش‌ازپیش و ناگزیرتر از همیشه و هرروز در وجود آدمی شعله کشید و مسئله معنای زندگی به عنوان یکی از پرسش‌های بنیادین برای بشر امروزی مطرح گردید و اندیشمندان مدرن - از جمله عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان؛ که پژوهش حاضر بیشتر ناظر بر آراء این دو تن بعنوان طرفداران معنویت مدرن می‌باشد - سعی نمودند معنای جدیدی از زندگی که با تغییرات جدیدی که بشر تجربه می‌کند هماهنگ باشد به زندگی بشر عرضه نمایند. به همین جهت در پژوهش حاضر با بررسی نقش معنویت مدرن در معنابخشی زندگی به دنبال پاسخ به این سؤال خواهیم بود که معنویت مدرن در معنابخشی زندگی تا چه اندازه توانسته است به معنای قابل قبولی که انسان امروزی را از تشویش و نگرانی نجات بدهد موفق باشد؟ نقاط قوت و ضعف معنویت مدرن کدامند؟ تا با بیان نقاط ضعف و قدرت چنین معنویتی، ارزیابی عادلانه در مورد معنا بخشی به زندگی انسان‌ها صورت پذیرد و معنویت کارآمدتر در معنا بخشی زندگی انسان‌های امروزی، معرفی شود.

۲. مفهوم‌شناسی و تعریف معنویت مدرن

دهخدا واژه «معنویت» را بدین صورت معنا کرده است: معنوی بودن؛ مصدر جعلی معنوی و معنوی یعنی با معنا، منسوب به معنا، مربوط به معنا؛ مقابل لفظی، مادی، صوری و ظاهری و معادل راست، حقیقی، اصلی، ذاتی مطلق، باطنی و روحانی و نیز معنایی که فقط بوسیله قلب شناخته می‌شود و زبان را در آن بهره‌ای نیست. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۰/۱۴) در اصطلاح نیز تعریف مختار در این پژوهش «نحوه‌ای مواجهه با عالم پیرامون که در آن برخورد، فرد به صورت کلی، با رضایت باطن زندگی کند... و دچار استرس، نومی‌دی و اضطراب نشود». یعنی جریانی است که نتایج آن کم کردن درد و رنج انسان‌ها در دنیا می‌باشد. بزرگترین هدف انسان در دنیا این است که به رضایت باطنی برسد، این رضایت سه مؤلفه اصلی دارد: ۱. آرامش، ۲. شادی، ۳. امید. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۳۱۹) معنویت مدرن بر مبانی‌ای متکی است که به خاطر گسترده بودن و عدم امکان گنجاندن همه آنها در پژوهش حاضر و از طرفی تکراری بودن آنها در بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته، از تکرار آنها خودداری نموده و صرفاً جهت یادآوری به صورت خلاصه به این مبانی اشاره خواهیم کرد. در یک بررسی و جمع بندی می‌توان مبانی، اصول و ویژگی‌های معنویت دوران مدرن را اینطور نام برد: ۱. سکولاریسم (دنیاگرایی و کنار گذاشتن دین از عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و ...)، ۲. اومانیزم (انسان گرایی)، ۳. راسیونالیسم (عقل گرایی یا استدلال گرایی)، ۴. لیبرالیسم (آزادی خواهی)، ۵. ساینتیسم (عقل گرایی یا علم زدگی)، ۶. پراگماتیسم (اصالت عمل)، ۷. ماتریالیسم (مادی گرایی)، ۸. پلورالیسم (کثرت گرایی)، ۹. فرد گرایی (individualism)، ۱۰. برابرگرایی یا برابر طلبی (Egalitarianism)، ۱۱. سنت ستیزی (Traditionalism)، ۱۲. احساس گرایی (بیات، ۱۳۸۹: ۵۳۸).

۳. ویژگی‌های معنویت مدرن

معنویت مدرن دارای ویژگی‌هایی است که با تاکید بر آراء سروش و ملکیان به عنوان طرفداران معنویت مدرن به صورت اجمالی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱.۳ عقل‌گرایی

عقل‌گرایی (rationalism)، یعنی نظام‌های فکری و فلسفی که عقل در آنها جایگاه ویژه و اساسی دارد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین مؤلفه معنویت مدرن، طبق اظهارات طراحان آن، عقلانیت یا عقل‌گرایی می‌باشد. (ملکیان، ۱۳۸۵: ۴۷). انسان معنوی معتقد است که آموزه‌های دینی ادیان بخاطر اینکه نمی‌توان به نفع یا ضرر آنها دلیل عقلانی آورد؛ لذا ظرفیت اثبات یا رد عقلانی ندارد. (ملکیان، ۱۳۸۹: ۱۳۹) عقلانیت معنویت مدرن با این محتوا به این نقطه می‌رسد که تدین در هر زمانی متضمن محتوای خاصی است که طبق شرایط آن زمان، بوجود آمده است، لذا دین‌داری در هر زمانی با زمان دیگر فرق دارد. (سروش، ۱۳۷۷: ۳۰۹). بنابراین انسان مدرن و جدید با توجه به شرایط زمان خودش به دنبال روش‌های جدید تدین می‌باشد.

۲.۳ ابن‌الوقت بودن

ابن‌الوقت بودن یعنی فرزند اینجا و اکنون بودن می‌باشد. این معنا، معنای سلبی دارد یعنی در بند گذشته و آینده نبودن و اینکه باید در بند این بودن که اکنون در همین زمان و همین مکان چه باید کرد؟ انسان معنوی با توجه به این خصوصیت برای قبول هر نوع نسخه‌ی کاربردی و علمی در جهت زندگی و حیات خوب‌تر، از راه‌های سنجش این دنیایی استفاده می‌کند. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۲۷۶). شخص معنوی مدرن حیات بعد از مرگ و نیز عدم توجه به وعده و وعیدها و ... بعد از مرگ را انکار نمی‌کند، اما تنها دغدغه‌اش در امور مختلف، سود بردن دنیوی می‌باشد و معتقد است که میدان و مکان و زمان سنجش درستی یا نادرستی راهکارهای مذهبی و دینی، در دنیا می‌باشد و اهمیتی برای سنجش اخروی نمی‌دهد. (وست، ۱۳۸۳: ۱۰۱). به طور کلی انسان معنوی با این ایده می‌خواهد حتی خدا و آخرت را به محک آزمون در این دنیا بیاورد. او می‌خواهد بهشت اخروی را در دنیا بسازد تا جایی که هدف و آرمان دین را فقط عشق به زندگی می‌داند. (مجتهدشبه‌ستری، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

۳.۳ ایمان گرایی

در معنویت مدرن، واقعیت دارای ثبات و قرار نیست، بلکه همیشه در حال تبدل و تحول است. از طرف دیگر عنصر ایمان در معنویت وجود دارد؛ اما به معنای طلب واقعیت بیقرار است. شخص معنوی همیشه بدنبال حقیقت می‌باشد ولی خود را صاحب حقیقت نمی‌داند؛ زیرا معتقد است که حقیقت و واقعیت همیشه در حال سیلان و تغییر می‌باشد. (ملکیان، ۱۳۸۹: ۱۴۲). به طور کلی از منظر انسان معنوی، افرادی که آموزه‌های دینی را به هر صورت کامل می‌دانند، این نوع ایمان سطحی دارای وثاقت لازم نبوده و باید ایمانی را سراغ گرفت که خرقة یقین را کنار گذاشته همواره با سیلان و شک همراه باشد؛ زیرا گزاره‌های دینی و مذهبی قابل اثبات عقلانی نبوده و صرفاً یک الگو اعتقادات قابل اثبات هستند که آن هم اعتقادات ریاضی - منطقی می‌باشد و این قابل توجیه است که شخص معنوی در همه آنها شک کند؛ ولی متدین نیز باشد. (سروش، ایمان و امید، کیان: ۵۴).

۴.۳ طرد متافیزیک ادیان

از اوایل قرن هیجدهم، تعداد زیادی از پژوهشگران علوم انسانی، به صورت مستمر از مردم می‌خواهند که امور کودکانه‌ای مانند وجود خدا، حجیت معرفت شناسی تجارب عرفانی و وجود نظام اخلاقی نیکو در عالم را کنار بگذارند. (ملکیان، ۱۳۸۵: ۳۱). زیرا دین سستی غالب مردم به صورت اعتقادات بوده و اعتقادات نیز اغلب مبتنی بر مجهولات است و در این دوران که آگاهی انسان‌ها از زندگی و دنیا بیشتر شده است، این اعتقادات که در واقع مجهولات هستند بیشتر در هم شکسته است. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۹۰). به طور کلی معنویت مدرن معتقد هستند که ذائقه انسان مدرن با متافیزیک ادیان که دارای متافیزیک بسیار پر حجم و متصلب هستند و برای انسان امروزه کودکانه و نامعقول می‌باشد سازگار نیست. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۲۸۱).

۵.۳ تأکید بر امور عام البلوی و عدم قطعیت تاریخ

معنویت مدرن با توجه به مبانی خود (مبانی و مؤلفه‌های دوران مدرن) ویژگی‌های محلی ادیان (local) سستی را کنار گذاشته و بر مسائل عام البلوی، همگانی (universal) و همه جایی تأکید فراوان می‌کند. زیرا معتقد است هر دین سستی در یک زمان خاص آمده است و

هماهنگ با اوضاع و احوال عرفی و فرهنگی آن زمان و مکان، تعالیم و احکام بیان و عمل شده است؛ لذا این ویژگی‌های بومی و محلی ادیان برای انسان مدرن نه مناسب و نه پذیرفتنی است در نتیجه باید کنار گذاشته شود. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۲۸۶). آنان درصدد هستند پیام دین را بیابند و قالب و شکل دین را رها کنند. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۲۳۹). همچنین معنویت مدرن تلاش می‌کند تا وابستگی خود را به وقایع تاریخی به کمترین حد برساند زیرا انسان مدرن در باب تاریخ معتقد است که سخن قطعی وجود ندارد. (ملکیان: ۱۳۸۱: ۲۷۶).

۶.۳ قداست زدایی از اشخاص و طرد تعبد

معنویان مدرن معتقدند که تمام انسان‌ها باید بطور یکسان در نظر گرفته شوند و اگر نظریه یا طرحی دارند میزان اعتبار آن به اندازه و ارزش دلایلی است که برای اثبات صحبت خود می‌آورند. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۲۷۵). به طور کلی در معنویت مدرن، اعمال و رفتار معنوی به شکل درون محور می‌باشد نه مانند ادیان که پیروان آنها، متعبد به فرامین پیامبر، راهنما، امام و... هستند، بلکه بدون حضور حجت و منبع بیرونی، بر اساس دلیل عقل و استدلال، حرفی را پذیرا می‌باشند (Manony: ۱۴). لذا نظر و حکم هیچ فردی برای دیگری، وجوبی و الزامی ندارد مگر اینکه آن شخصی که حکم دینی بیان می‌کند بر اساس و مطابق دلیل عقلی یا قانون عمومی یا... صادر کرده باشد. (ملکیان و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۸۴)

۴. معنای زندگی در معنویت مدرن

۱.۴ معنا شناسی مفهوم «معنای زندگی»

در میان فیلسوفان، نظریه پردازان و حتی در بین عرف، «معنای زندگی» بیشتر به معنای «هدف»، «ارزش» و «کارکرد» زندگی می‌باشد و دیگر نظریه‌ها بدون واسطه یا با واسطه به یکی از این سه معنا بازگشت دارند.

۱.۱.۴ هدف زندگی

بخش عظیمی از نظریه‌های «معنای زندگی» بر اساس معنای هدف زندگی از معنای زندگی بیان شده است. پل ادواردز معتقد است که باید بین هدف برای زندگی هر فرد انسانی و

هدف در زندگی وی فرق گذاشت. Edwards (۱۹۶۷: ۴۷۲) کسانی که معتقد به وجود خداوند هستند، می‌توان برای کل زندگی آنان هدف یا اهدافی مشخص کرد ولی دیگران فقط می‌توانند از هدف در زندگی سخن گویند. لازم به ذکر است به محض هدفمند بودن زندگی نمی‌شود آن را معنادار دانست، بلکه باید هدف یا اهدافی باشند که دارای ارزش مثبت باشند. نظریه پردازان معنای زندگی مبتنی بر هدف هر شخص، سعی می‌کنند تا بیان کنند که چه اهدافی دارای ارزش مثبت هستند تا به زندگی آنها معنا دهد. در مقابل نظریه پردازان معنای زندگی مبتنی بر هدف یا اهداف خداوند متعال، بر این باورند که چون خداوند خیر محض است، اهداف او نیز دارای ارزش مثبت می‌باشند. در نتیجه الهی دانان ادیان ابراهیمی سعی می‌کنند با توسل به طرح هدفمندی آفرینش، درباره معنای زندگی نظریه پردازی کنند و معتقد هستند که هر فرد انسانی با کمک به تحقق اهداف خداوند تعالی در این جهان می‌تواند به زندگی خویش معنا دهد. در مقابل کسانی که معتقد به نظریه طبیعت‌گرا هستند مثل آیر، (Ayer, 2000: 219-232)، نیلسن (Nielsen, 2000: 240-293) و هپبورن (Hepburn: 2000: 292-293) بر این باور می‌باشند که تنها از نظریه مبتنی بر هدف هر شخص انسانی می‌توان دفاع کرد.

۲.۱.۴ ارزش زندگی

یکی از معانی اساسی «معنای زندگی»، «ارزش» است. (ملکیان، ۱۳۸۲: ۶۴-۷۵) در سال‌های اخیر فیلسوفان بیشتر از این نظریه دفاع کردند، زیرا معتقد هستند که ارزش‌های موجود در زندگی هر شخص انسانی با دیگران فرق دارد و در یک حد نمی‌باشد لذا با تمییز ارزش‌های متناسب با یک زندگی اخلاقی و یک زندگی توأم با خوشبختی و یک زندگی معنا دار، قائل به رده بندی هستند. متز در مقاله خودش به نام «مفهوم یک زندگی معنا دار» (Metz, 2002: 781-819) بر این باور است که «معنای زندگی» یا «زندگی معنادار» در آثار و نوشته‌های فیلسوفان به سه معنای «هدف»، «احساس احترام و افتخار عظیم» و «فرا رفتن از حد و مرزهای زندگی» بکار رفته است.

۳.۱.۴ کارکرد زندگی

«کارکرد زندگی» یکی دیگر از انواع معانی «معنای زندگی» است. لازم به ذکر است که فیلسوفان خیلی به این معنا نپرداخته‌اند و شاید دلیل این امر این باشد که آنان معنای

«کارکرد» را ذیل معنای «هدف» قرار داده و لازم ندانسته‌اند که بصورت مستقل مطرح شود. زیرا نظریه‌های کارکرد زندگی تفسیرهای گوناگونی از نقش و تأثیر هر فرد انسانی در تحقق هدف یا اهدافی است که نظریه‌های هدف زندگی آنها را مشخص کرده‌اند.

معنای زندگی در معنویت مدرن از لابه‌لای مباحث «پروژه عقلانیت و معنویت» قابل استخراج می‌باشد؛ یعنی چنانچه گمان حیات طیبه (زندگی پاک) دارای مصداقی باشد، مصداقش حیاتی است که در آن میان «عقلانیت» و «معنویت» جمع و تلفیق شده است. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۲۲۹) اولین بحث در معنای زندگی مدرن بیان این نکته می‌باشد که معنای زندگی آیا به معنای هدف زندگی است؟ یا ارزش زندگی؟ یا کارکرد زندگی؟ و یا می‌توان به معنای همه‌ی اینها از جهات گوناگون باشد. در این رابطه باید گفت؛ اگر معنای زندگی به معنای هدف زندگی باشد گاه این هدف به موجودی که دارای علم و اراده است، نسبت داده می‌شود و گاهی به موجودی که فاقد علم و اراده است، نسبت داده می‌شود. اگر قسم اول باشد هدف خود بنیاد نامیده می‌شود و اگر قسم دوم باشد هدف خارجی می‌نامند. اگر مراد از هدف زندگی، هدف خودبنیاد باشد نمی‌توان این هدف را به خود حیات و زندگی نسبت داد زیرا زندگی دارای علم و اراده نیست و اگر بگوییم حیات و زندگی هدف خارجی دارد به معنای این است که موجودی یا شیء ای که خارج از عالم و هستی است با ساخت و حیات زندگی دارای هدفی خود بنیاد می‌باشد اما این قسم اخیر با مبانی و ویژگی‌های معنویت مدرن سازگاری ندارد زیرا انسان معنوی انسانی سکولار، اینجایی و کنونی می‌باشد او با مباحث متافیزیک رابطه خوبی ندارد لذا مورد نظر و اهمیت آن نمی‌باشد. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۲۷). تنها تصویری که از هدف زندگی برای انسان مدرن باقی می‌ماند هدف خود بنیاد انسانی می‌باشد. این هدف خود بنیاد من به عنوان زیست کننده، نه هدف خود بنیاد کسی که این زیست را در اختیار من نهاده و به من عطا کرده است. (ملکیان، ۱۳۸۹: ۲۲۱). یعنی انسان معنوی با اراده و علم، به زندگی خود معنا می‌دهد. معنویان مدرن بواسطه تبعیت از افکار اشخاصی مانند ویکتور فرانکل، هدف خود بنیاد انسانی را به سه قسم تقسیم می‌کنند، گروه اول کسانی که زندگی خود را یک پروژه می‌دانند و با الزام خود به وجود آوردن فلان اثر یا پدیده به حیات خود معنی می‌بخشند، گروه دوم بر خلاف گروه اول که جنبه فعالانه دارند رویه منفعلانه دارند و به زندگی خود با پیدا کردن تجارب خاص معنا می‌بخشند و گروه سوم اشخاصی هستند که با روبرو شدن و برخورد با درد و رنج‌های اجتناب ناپذیر زندگی، به حیات خود معنا و مفهوم می‌بخشند.

(ملکیان، ۱۳۸۱: ۲۲). در فلسفه و الهیات مسائل بنیادین و مهم عبارتند از اینکه مثلاً: حقیقت دنیا چیست؟ آیا جهان هستی هدفدار است یا نه؟ آیا زندگی معنا دارد یا نه؟ آیا خدا وجود دارد یا نه؟ و ... اما انسان معنوی این مسائل برایش مهم نیست بلکه مسأله مهم و اصل او «چه باید بکنم؟» یا «چه بکنم؟» است. (ملکیان و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۱۳) یکی از اهداف زندگی خود بنیاد انسان معنوی زندگی اصیل می‌باشد در مقابل زندگی اصیل، زندگی عاریتی قرار می‌گیرد. شاخصه‌های مهم حیات عاریتی عبارتند از: تقلید می‌کنیم، تبعد می‌ورزیم، بی‌دلیل سخن می‌گوییم، صحبت‌های دیگران را بی‌دلیل می‌پذیریم و دیگران نیز همچنین، بر سر هیچ هیاهو می‌کنیم، با همه وفا داریم مگر با خودمان، با همه صداقت داریم مگر با خودمان، با همه یکرنگ هستیم جز با خودمان، همچنین مؤلفه‌های مهم زندگی اصیل عبارتند از: حیاتی که در آن انسان فقط با خودش وفادار است یعنی «در التزام خود حرکت کردن» و «در معیت خود زیستن» وفاداری به خود یعنی تنها بر مبنای درک و فهم خود اقدام کردن و آنرا مبنای تصمیم‌گیری‌های عملی قرار دادن می‌باشد. معنویان معتقدند انسان نباید درک، شعور و فهم خود را تعطیل کند و مصداق تعطیلی فهم عبارتند از: پیروی آداب و سنن نیازموده، پیروی از اذهان عمومی، همراه شدن با جماعت، تبعد و ... کسانی زندگی اصیل دارند که از باورهای آزموده و درک کرده پیروی می‌کنند، تقلید و تبعد ندارند، بدنبال کسب محبوبیت در میان مردم به هر قیمتی نیستند. می‌توان گفت فرق بین زندگی اصیل با زندگی غیر اصیل (عاریتی) در فرایند تحصیل عقاید است نه در نفس عقاید. طراحان معنوی مدرن برای تأیید نظریه زندگی اصیل به مواردی از قرآن کریم نیز متمسک شده‌اند. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۲۴۶)

معنویان مدرن برای انسان معاصر علاوه بر هدف خود بنیاد زندگی اصیل، اهدافی دیگر نیز بیان می‌کنند مانند رضایت باطنی که دارای سه پایه آرامش، امید و شادی است. (همان: ۳۱۷). و نیز کاهش درد و رنج انسانی

من فقط دل نگران انسان هستم... من نه دل نگران ستم، نه دل نگران تجدد، نه دل نگران تمدن، نه دل نگران فرهنگ ... من فقط دل نگران انسان‌های گوشت و خون داری هستم که می‌آیند، رنج می‌برند و می‌روند. (ملکیان، ۱۳۸۹: ۱۱۹)

و نیز زندگی آرمانی که دارای سه ویژگی خوش بودن، خوب بودن، ارزشمند بودن می‌باشد. (صادقی، ۱۳۸۹: ۵) با توجه به مطالب گفته شده می‌توان به این نتیجه رسید که

هدف در معنای زندگی مدرن عبارت است از ایجاد زندگی اصیل و آرمانی و نیز کاهش درد و رنج آدمی. این اهداف توسط هر انسان باید پیگیری شود تا برسیدن به این اهداف به حیات و زندگی خود معنا دهد. حال بعد از بیان هدف از زندگی در معنویت مدرن آیا امکان بیان ارزش از زندگی در معنای زندگی مدرن وجود دارد یا خیر؟ همانطور که قبلاً بیان شد ارزش زندگی یعنی اینکه هر فرد انسانی همواره در زندگی خویش می‌کوشد تا در پرتو ارتباط با امور ارزشمند به زندگی خویش معنا می‌دهد. انسان معنوی هر قدر به «تدین متعلقانه» یا «فهم عقلانی از دین» نزدیکتر شود، دارای زندگی ارزشمندتری خواهد بود. معنای کارکرد زندگی را نمی‌توان برای معنویت مدرن قائل شد؛ زیرا پرسش از کارکرد یک چیز به معنای سؤال از نقش، جایگاه و فایده‌ای است که آن چیز در تحقق هدف و برنامه یک مجموعه بزرگتر از خویش، برعهده دارد لذا در مرتبه اول باید یک چیز را با کل یا کل‌های بزرگتر از خود آن سنجید تا بتوان از کارکرد آن پرسید در نتیجه با توجه به مبانی و ویژگی‌های معنویت مدرن، معنای کارکرد زندگی در معنای زندگی معنویت مدرن بی‌معنا می‌باشد. بحث از «معنای زندگی» با دو رهیافت متفاوت، یعنی توصیفی و هنجاری قابل طرح می‌باشد که با توجه به آثار طراحان معنویت مدرن، عمدتاً حاکی از رهیافت هنجاری می‌باشد بدین صورت که معنویت مدرن بدنبال بیان شرایط لازم و کافی برای یک زندگی معنادار می‌باشد. معنویت مدرن با ویژگی‌های خود و نیز ایجاد زندگی آرمانی و اصیل به انسان‌های امروزه توصیه می‌کند که چطور فکر و عمل کنند و این به معنای بیان هنجار و دستورالعمل می‌باشد. معنویت مدرن بیشتر میل به «جعل معنا» و نه «کشف معنا» دارد زیرا انسان‌ها را دعوت به خود فرمانروایی و تعقل می‌کند این مطلب را حتی از عنوان یکی از مقالات طراحان معنویت مدرن به نام «هرکس خود باید به زندگی خویش معنا ببخشد» می‌توان برداشت نمود. معنویت مدرن (معنای زندگی) را بیشتر مربوط به فلسفه اخلاق می‌داند تا فلسفه دین و روان‌شناسی «اعتقاد من بر این است که پرداختن به مسأله معنای زندگی در فلسفه اخلاق، حتی مناسب‌تر از فلسفه دین است، چون اساساً اخلاق، علم معنای زندگی است.» (ملکیان، ۱۳۷۹: ۲۲) معنویت مدرن در معنای زندگی فرآورده برایش مهم است نه فرایند، نتیجه برایش مهم است نه وظیفه، از میان سه رویکرد عمده طبیعت‌گرا، فرا طبیعت‌گرا و ناطبیعت‌گرا در معنای زندگی، می‌توان معنویت مدرن را بیشتر رویکردی ناطبیعت‌گرا قلمداد کرد زیرا در این رویکرد برای کسب معنای زندگی نه نیازی به قابلیت‌ها و امکانات این جهان مادی است و نه حاجتی به عالمی ماورای عالم مادی است، بلکه به

کمک یک سلسله اصول یا پیش فرض های صرفاً عقلی، مانند اصول اولیه اخلاق، می توان به یک زندگی معنادار دست یافت. نظریه معناداری وجودی (Existential meaningfulness) رابرت اودی که یکی از نظریه های رویکرد ناطبیعت گرا می باشد بر این باور است که هرگونه نیکی و خوبی (goodness) در حیات انسان ها، خواه از مقوله فکرواندیشه یا کردار و رفتار، دارای ارزشی اصیل (intrinsic) است و ارزش های اصیل هم دارای سرشتی غیرطبیعی و غیرمادی است و قابلیت دارد که حیات و زندگی را معنادار کند. لذا یک زندگی همراه با ارزش های نیک و خوب، زندگی ای معنادار است. کمک به خوشبختی دیگران، خلاقیت و توجه به دیگران خصوصاً در روابط عاطفی از مؤلفه های اصلی این نظریه ناطبیعت گرا می باشد. در این نظریه هر عملی که بتواند برای زندگی خود فرد یا دیگران ثمر بخش و مفید باشد، ارزشمند است و زندگی هر فرد انسانی را معنادار می کند. معنویت مدرن نیز با تأکید و اتکا بر موضوعاتی مانند زندگی اصیل، عقلانیت، نیکی به خود و دیگران، کاهش درد و رنج خود و دیگران، رضایت باطن و... نه حاجتی به عالمی ماورای عالم مادی دارد و نه به این جهان مادی بلکه بوسیله این سلسله اصول اشاره شده به زندگی خود معنا می دهد. در معنویت مدرن خوب بودن، خوش بودن و ارزشمند بودن از مبانی زندگی آرمانی می باشد و نه دارای سرشتی مادی و طبیعی است و نه به امور ماوراء طبیعت ارتباط دارد. در معنویت مدرن یک سلسله اصول عقلی و اخلاقی مورد تأیید می باشد که آنها نظریه معنویت مدرن را به طرف رویکرد ناطبیعت گرایی سوق می دهند.

۵. نقاط قوت معنویت مدرن در معنا بخشی زندگی

در این قسمت سعی شده با توجه به آنچه تا کنون ذکر گردید، نقاط قوت معنویت مدرن در معنای زندگی بررسی شود.

۱.۵ معنادار بودن زندگی

در یک نگاه کلی، بی معنایی و معناداری زندگی، دو رویکرد کاملاً متفاوت میان پژوهشگران معاصر در موضوع معنای زندگی می باشد. (بیات، ۱۳۹۰: ۱۹). یک دسته نظریه هایی هستند که معنای زندگی در این جهان را دست یافتنی می دانند و دسته دیگر، نظریه هایی هستند که

معنای زندگی را دست‌نیافتنی دانسته و در پی ارائه راهکارهایی برای مواجهه با آن هستند. معنویت مدرن جزء نظریه‌هایی قرار دارد که قائل به معنادار بودن زندگی می‌باشند.

۲.۵ هدف دار بودن زندگی

معنای «هدف» یکی از معانی است که برای «معنای زندگی» می‌توان قائل شده، از این رو اگر معنای زندگی را به معنای هدف زندگی بگیریم، پرسش اساسی این خواهد بود که «هرفرد چه هدف یا اهدافی می‌تواند یا باید در زندگی داشته باشد تا به مدد آن بتواند به زندگی خویش معنا دهد؟» در واقع، در ظلّ نوع پاسخی که به این پرسش می‌دهیم، نظریه معنای زندگی شکل می‌گیرد. همانطور که قبلاً بیان شد معنویت مدرن در زندگی دارای هدف یا اهدافی است. یعنی معنویت مدرن مانند معنویت دینی ادیان توحیدی که با تمسک به آموزه هدفمندی آفرینش، قائل هستند که اگرچه هر فرد انسانی نقشی در تعیین هدف یا اهداف خداوند برای جهان آفرینش ندارد، ولی می‌تواند با کمک به تحقق اهداف خداوند در این جهان به زندگی خویش معنا دهد. (رحمانی اصل، ۱۳۸۹: ۱۵۲). در معنویت مدرن نیز اهدافی مانند زندگی اصیل، زندگی آرمانی، زندگی خود بنیاد و ... به عنوان «معنای زندگی» اتخاذ شده است.

۳.۵ ارزشمند بودن زندگی

ارزش، اعتبار و اهمیت، یکی از معانی مهم «معنا» در ترکیب اضافی «معنای زندگی» است. اشخاص و اشیای مقدس، طبیعت، آثار هنری مکتوب و غیر مکتوب، سنت‌ها، فرهنگ‌ها، انسان‌های دیگر، نهادها، نظریه‌های علمی و حتی وسایل فنی از زمره امور ارزشمندی هستند که هر فرد انسانی با ارتباط با آنها می‌تواند به زندگی خویش ارزش بخشد. طبق نظر طراحان معنویت مدرن اموری مانند تدین متعقلانه، (ملکیان، ۱۳۷۹: ۲۲) چه باید بکنیم؟ وفادار بودن به خود و ... به زندگی انسان معاصر ارزش می‌دهد. در معنویت دینی نیز موارد متعددی یافت می‌شود که به زندگی مؤمن ارزش می‌دهد مانند، تقرب به خدای تعالی، نزدیکی به اولیاء خدا، خدمت به خلق خدا و ... لذا در هر دو نوع معنویت معنای زندگی می‌تواند به معنای ارزش زندگی باشد.

۴.۵. هنجاری بودن معنای زندگی

در تقریر هنجاری از پرسش از معنای زندگی، از شرایط لازم و کافی برای یک زندگی معنادار سؤال می‌شود و لذا، نظریه‌های هنجاری در معنای زندگی نیز در مقام ارائه شرایط لازم و کافی برای یک زندگی معنادارند و توفیق آنها نیز بسته به توان دفاع آنها از شرایطی است که برای یک زندگی معنادار عرضه می‌کنند. در معنویت مدرن برای ایجاد معنویت و معنای زندگی، بر شرایطی مانند تجمیع عقلانیت و معنویت، خوش بودن زندگی، خوب بودن زندگی، ارزشمند بودن زندگی، رضایت باطنی و ... تأکید می‌شود.

۶. نقاط ضعف معنویت مدرن در معنابخشی زندگی

در این بخش نیز تلاش شده طبق معنای زندگی، نقاط ضعف معنویت مدرن در معنای زندگی مورد بررسی قرار گیرد.

۱.۶. نوع هدف زندگی

برخی میان هدف در زندگی و هدف برای زندگی هر فرد انسانی، تفکیک و تمایز قائل شده‌اند، (Edward:472) زیرا اگر مانند خداوند بتوان بر کل زندگی نوع انسان یا هر فرد انسانی اشراف داشت، می‌توان برای کل زندگی آنان هدف یا اهدافی را تعیین کرد و گرنه تنها می‌توان از هدف در زندگی صحبت کرد. از آنجایی که برخلاف معنویت دینی که خداوند است که برای تمام زندگی انسان‌ها هدف گذاری می‌کند پس می‌توان گفت که در این نوع معنویت هدف برای زندگی می‌باشد، اما در معنویت مدرن که هرکس باید خود به زندگی اش معنا دهد در نتیجه هدف در زندگی معنا خواهد داشت.

۲.۶. نوع ارزش زندگی

معنای زندگی به معنای ارزش زندگی، دارای مصادیق متعددی می‌باشد که یکی از آنها «ارزش مبنایی» می‌باشد. (بیات، ۱۳۹۰: ۵۸) ارزش مبنایی یکی از معانی خاص «ارزش» است. ارزشی که هر فرد با تکیه بر آن بتواند درباره خوبی یا بدی امور دیگر زندگی خویش تصمیم بگیرد، ارزش مبنایی است و از چنان اهمیتی برخوردار است که زندگی بدون آن

فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. طبق این معنا از «ارزش»، پرسش از معنای زندگی، بدین معنا است که آیا در این جهان چنین ارزشی وجود دارد تا به زندگی انسان‌ها معنا دهد و اگر وجود دارد چیست؟ معنای دیگر «ارزش» نوعی کیفیت در زندگی است که اگر در زندگی هر فرد انسانی تحقق یابد، به زندگی وی ارزش می‌بخشد. روشن است که این معنا از ارزش، ناظر به نتیجه عمل است؛ زیرا کیفیت، نتیجه یک عمل است. بر مبنای این معنا از «ارزش» پرسشی از معنای زندگی بدین معنا است که چه کیفیتی در زندگی می‌تواند زندگی هر فرد انسانی را معنا دار کند. بعد از توضیح مختصر هر دو نوع ارزش «ارزش مبنایی و نوعی کیفیت در زندگی» می‌توان گفت در معنویت مدرن که بر عقلانیت و ویژگی‌های آن تأکید بسیار می‌شود، اگر محقق شود به زندگی شخص معنوی مدرن ارزش می‌بخشد؛ لذا ارزش در معنویت مدرن به معنای «نوعی کیفیت در زندگی» است و آن کیفیت تدبیر متعقلانه می‌باشد. نکته دیگر آن که در یک تقسیم بندی کلی، ارزش‌ها به شخصی و همگانی تقسیم می‌شود و ارزش‌های همگانی نیز به ارزش‌های ذاتی و ابزاری تقسیم می‌شود. اگر ارزش یا ارزش‌هایی تنها برای فرد خاص ارزش و اهمیت داشته باشد، در حقیقت آن ارزش یا ارزش‌ها دارای ارزش شخصی است. اما اگر ارزش یا ارزش‌هایی مانند تقرب به خداوند در بین مسلمانان یا رهایی از چرخه سمسره و رسیدن به مقام نیروانه در نزد بوداییان، نه تنها برای یک فرد خاص، بلکه نزد بسیاری از انسان‌ها ارزش داشته باشد به گونه‌ای که بتوان آن را به دیگران هم توصیه کرد، از ارزش همگانی برخوردار است. در میان ارزش‌های همگانی نیز برخی ارزش‌ها مانند آرامش درونی، اصیل و ذاتی است و برخی دیگر از ارزش‌های همگانی، وسیله و ابزاری برای رسیدن به ارزش بالاتر است، مانند اعمالی که یک مؤمن برای رسیدن به تقرب به خدا انجام می‌دهد. در معنویت مدرن با توجه به اینکه هرکس خودش باید به زندگی خویش معنا دهد، ارزش‌ها به صورت شخصی می‌باشد.

۳.۶ نوع کارکرد

پرسش از کارکرد یک چیز به معنای پرسش از نقش و فایده‌ای است که آن چیز در تحقق هدف و برنامه یک مجموعه بزرگتر از خویش، بر عهده دارد؛ لذا ابتدا باید یک چیز را با کل یا کل‌های بزرگتر از خود آن سنجید تا بتوان از کارکرد و حتی کارکردهای آن پرسید و

مجموعه بزرگتر را دارای هدف یا اهدافی بدانیم تا بتوان از کارکرد زیر مجموعه آن پرسید. (ملکیان، ۱۳۸۲: ۱۹) در نتیجه امکان ندارد از کارکرد چیزی پرسید که زیر مجموعه چیز بزرگتری قرار نگرفته یا در مجموعه‌ای قرار گرفته است که فاقد هدف یا اهداف است یا نقشی برای زیر مجموعه آن تعریف نشده است. در معنویت دینی قائل شدن به کارکرد معنای زندگی قابل قبول می‌باشد؛ زیرا انسان در این نظام زیر مجموعه عالم هستی یا خداوند قرار می‌گیرد، اما در معنویت مدرن بحث پروردگار و ماوراء طبیعت مورد نظر نمی‌باشد و انسان می‌ماند و عالم هستی، از طرف دیگر معنویان قائل به هدف یا اهدافی برای عالم هستی نیستند؛ لذا انسان در معنویت مدرن دارای کارکرد به معنای اصطلاحی نمی‌باشد مضاف بر اینکه در معنویت مدرن با توجه به معنای اومانیسیمی که وجود دارد، همه چیز برای انسان است و انسان برای خودش، لذا معنا ندارد که انسان برای اهداف شیء دیگر کارکردی داشته باشد. بنابراین در معنویت مدرن مجموعه‌ای بزرگتر از انسان نمی‌توان یافت و اگر هم وجود داشته باشد که دارد، آنها دارای علم و اراده و هدف نیستند و اگر دارای هدف باشند، انسان معاصر بدنبال تحقق اهداف آنها نیست.

۴.۶ جعلی بودن معنای زندگی

در واقع، جعل و کشف معنای زندگی دو نوع نگاه کاملاً متفاوت به معنای زندگی است. در نظریه جعل، هر فرد انسانی معنای زندگی را برای خویشتن می‌آفریند، ولی در نظریه کشف وی پرده از معنا یا معنای زندگی در عالم واقع برمی‌دارد و به طرق گوناگون آن را کشف می‌کند. در معنویت مدرن معنای زندگی جعل کردنی می‌باشد؛ زیرا اگر معنای زندگی را به معنای هدف هر فرد انسانی در زندگی خویش بگیریم، در واقع وی با تعیین هدف یا اهدافی در زندگی خویش آنها را جعل می‌کند و در معنویت مدرن همانطور که گفتیم هرکسی خودش باید به زندگی‌اش معنا دهد؛ زیرا در این نوع معنویت هدف را به معنای هدف یا اهداف خداوند برای زندگی هر فرد انسانی در نظر نمی‌گیرند، زیرا خداوند هدف یا اهدافی را برای هر فرد انسانی جعل نکرده است.

۵.۶ نوع رویکرد

هر نظریه معنای زندگی نوعی پاسخ به پرسش از معنای زندگی است و ارائه هر گونه نظریه درباره معنای زندگی بر نوعی رویکرد استوار است که یک نظریه پرداز در معنای زندگی از آن دفاع می‌کند. سه رویکرد طبیعت‌گرا، نا طبیعت‌گرا و فرا طبیعت‌گرا از رویکردهای اساسی است که هر نظریه پرداز با تکیه بر آنها نظریه خویش را سامان داده و می‌کوشد تا به پرسش از معنای زندگی پاسخ دهد. (بیات، ۱۳۹۰: ۸۱) معنویت مدرن رویکردی نا طبیعت‌گرا دارد؛ زیرا در این رویکرد برای کسب معنای زندگی نه نیازی به قابلیت‌ها و امکانات این جهان مادی است و نه حاجتی به عالم ماورای عالم ماده است، بلکه به کمک یک سلسله اصول یا پیش فرض‌های صرفاً عقلی، مانند اصول اولیه اخلاق، می‌توان به یک زندگی معنادار دست یافت همچنین در معنویت مدرن برای رسیدن به معنای زندگی نه نیازی به عالم ماوراء بیان شده است و نه نیازی به امکانات این جهان مادی بلکه با یک سری پیش فرض‌های عقلی و اخلاقی مانند زندگی اصیل، زندگی آرمانی، عقلانیت و ... می‌توان معنای زندگی را کسب کرد.

۶.۶ عدم جامعیت

از آنجایی که معنای زندگی شامل حوزه فردی و اجتماعی می‌شود؛ بدین بیان که انسان موجودی اجتماعی می‌باشد و شاید قسمت بیشتر زمان زندگی خود را در اجتماع و جامعه سپری می‌کند. در معنویت مدرن شاید بتوان گفت هیچ نوع برنامه‌ای برای اجتماع و کار جمعی در نظر گرفته نشده است. معنویت مدرن حداکثر شاید معنای زندگی حداقلی را برای فرد مشخص کند، اما در خصوص بعد اجتماعی انسان سخنی به میان نیاورده است. به گفته خود طراحان معنویت مدرن، دغدغه ایشان فرد است نه جامعه؛ جامعه یک موجود خیالی بیش نیست و اگر هم قرار بر اصلاح، هدایت و برنامه ریزی باشد، باید از طریق تک تک افراد جامعه صورت پذیرد، حال سؤال این است که آیا واقعا این چنین است؟ آیا واقعا جامعه هیچ هویتی جدای از افرادش ندارد؟ این صحبت بسیار تردید آمیز است. در ترکیب جمعی چیزی پدید می‌آید که حاصل جمع تک تک افراد نیست. مانند اینکه می‌توان به فشار گاز در محفظه بسته اشاره کرد. این فشار، حاصل جمع فشار تک تک مولکول‌های گاز نیست، زیرا آنها چنین فشاری ندارند. بر اثر تراکم آنها حالتی پدید می‌آید که می‌تواند

اشیای سنگین را جا به جا کند یا انفجاری بزرگ پدید آورد. انرژی حاصل از این کار، به مراتب بیشتر از حاصل جمع انرژی‌ای است که تک تک اجزای این جمع مولکولی می‌توانستند تولید کنند. لذا برای جمع و اجتماع، هویت و آثاری مستقل فرض می‌شود و باید برنامه و احکام خاص آن را نیز ارائه کرد. یک نظریه جامع برای معنای زندگی نمی‌تواند در مورد ارائه برنامه‌هایی به منظور این وجه از زندگی بی تفاوت باشد. به بیان دیگر یک نظریه درباره معنای زندگی باید تمام جوانب زندگی شخص را پوشش دهد و آنها را معنا دار و منسجم ارائه دهد؛ اما این مهم در معنویت مدرن نادیده گرفته شده است که نقص بزرگی برای این پروژه محسوب می‌شود.

۷.۶ عدم شمولیت

در معنویت مدرن گرایشات فطری و روحی یا نادیده گرفته شده و یا پاسخی مناسب به آنها داده نشده است. از باب نمونه تمام انسان‌ها میل به جاودانگی دارند و این غیر قابل انکار می‌باشد و این یعنی اینکه هر نظریه درباره معنای زندگی باید پاسخگوی این گرایش شدید و همگانی انسان‌ها باشد؛ اما مع‌الاسف معنویت مدرن هیچ بیان و راهکاری برای برآوردن این میل و گرایش ندارد. از طرف دیگر، معنویت مدرن سعی در ایجاد یک زندگی همراه با خوشی و کاهش درد و رنج انسان دارد اما بدون بیان عاقبت و آخرت انسان. در نتیجه به چه صورت معنویت مدرن می‌خواهد زندگی خوش پایدار برای انسان مدرن ارائه دهد و یا اینکه اساساً یکی از مهم‌ترین مصادیق درد و رنج انسان عدم جاودانگی او می‌باشد و معنویت مدرن هیچ گونه پاسخی برای این میل شدید انسان ندارد. نمونه دوم گرایش درونی انسان‌ها حس پرستش و مجذوب بودن زیبایی مطلق می‌باشد. همانطور که تاریخ به ما نشان می‌دهد انسان‌ها همیشه به عبادت و پرستش روی آورده‌اند و این نشان از نیاز فطری و گرایش ذاتی انسان است. اما معنویت مدرن نه تنها برنامه‌ای برای ارضای این نیاز شدید انسان ندارد بلکه به شدت مخالف پرستش و تعبد نیز می‌باشد. یکی دیگر از گرایشات همیشگی انسان میل به رسیدن به حقیقت است که در معنویت دینی دارای ساز و کار و مراتب خود می‌باشد اما در معنویت مدرن جای بس تعجب است که از طرفی حقیقت و واقعیت را نسبی و متغیر می‌داند و از طرف مقابل قائل به نظریه تقرب به حقیقت هست. (ملکیان، بی تا: ۱۴) انسان ذاتاً به دنبال رسیدن به حقایق اشیاء می‌باشد و در ظل این

گرایش، معنای زندگی واقعی و نه خیالی و تخیلی، برایش حاصل می‌شود اما در نظریه معنویت مدرن این ارتباط انسان با حقیقت به کلی قطع شده است که مطمئناً باعث سرخوردگی و درد و رنج انسان می‌شود. حال سؤال این است نظریه‌ای که برای تمایلات قوی و همیشگی انسان برنامه‌ای ندارد به چه صورت می‌خواهد معنای زندگی کامل را برای انسان مدرن ارائه کند؟

۸.۶ عدم بیان بعد محتوایی و معرفتی

طراحان معنویت مدرن در ارائه نظریه خود بیشتر رویکردی سلبی دارند. (جعفری، ۱۳۹۰: ۳۱۳) نه ایجابی؛ به همین جهت معنویت مدرن که از حقیقت تهی و صرفاً ابزار برای آسایش دنیایی می‌باشد به یک نوع خلأ معرفتی و محتوای دچار می‌باشد. شاید معنویت مدرن برای انسانی که هنوز در آستانه انتخاب راه زندگی و مشرب فکری خود است، روش عقلانی در فهم و گزینش و سلوک معنوی ارائه دهد اما از اینجا به بعد، دیگر این پروژة چیزی به ما نمی‌گوید. این اشکال شبیه اشکالی می‌باشد که به مکتب اخلاقی کانت گرفته‌اند و آن اینکه این نظریه به لحاظ محتوایی چیزی به ما نمی‌گوید و تنها سخنش در شکل زندگی آرمانی است در حالی که یک نظریه جامع برای معنای زندگی علاوه بر ساختار باید محتوای آن را نیز بیان کند که معنویت مدرن چنین وظیفه‌ای را وانهاده است و یا اینکه آینده به آن خواهد رسید. شاید ریشه این اشکال در نسبی دانستن حقیقت و ایمان در معنویت مدرن باشد.

۹.۶ دست نیافتنی و آرمانی بودن

در معنویت مدرن با بیان شرایط متعدد و سخت «تدین متعقلانه» و «زندگی آرمانی» دست یافتن حداقلی به معنای زندگی برای بسیاری از آحاد جامعه سخت و یا غیر ممکن می‌شود. همانطور که پیشتر بیان شد یک نظریه جامع درباره معنای زندگی باید راهنمای عملی داشته باشد و ظاهراً طراحان معنویت مدرن این مسئولیت سنگین را بر عهده عقل هر فرد گذاشته‌اند. نکته اینجاست که همه آدمیان توانایی عقلانی کافی در تشخیص راه زندگی آرمانی را ندارند و با نبود الگوی آماده، به یقین آنها دچار مشکل می‌شوند؛ زیرا خود آنها نمی‌توانند طی طریق کرده و راه را بیابند. در معنویت مدرن، الگو سازی برای زندگی آرمانی

بر عهده نخبگان می‌باشد و شاید به همین علت به نظریه معنویت مدرن اشکال نخبه‌گرایی را وارد کرده‌اند. در لابه‌لای صحبت‌های طراحان معنویت مدرن به این امر اشاره شد، که این نظریه خطابش به همه مردم است؛ اما تنها نخبگان از عهده چنین کاری برمی‌آیند؛ زیرا شرایط معنویت متعلقانه یا دین عقلانی شده آن چنان سخت است که افرادی نادر از عهده آن بر می‌آیند و عموم مردم نمی‌توانند چنین شرایطی را رعایت کنند و با لحاظ نفی تعبد و تقلید و تأکید بر «خود فرمانروایی» آحاد جامعه حق ندارند از یافته‌های نخبگان استفاده کنند و باید خود با بکارگیری عقلانیت مدرن به معنای زندگی آرمانی دست یابند. می‌توان حتی از این هم پیش‌تر رفت و گفت که نخبگان نیز، توانایی عرضه الگوی زندگی آرمانی بی‌عیب و نقص را ندارند. اگر به مکتب‌های ساخت بشر نظری بیفکنیم، متوجه خواهیم شد که تا چه اندازه عیب و نقص و تضاد در آنها وجود دارد لذا چگونه می‌توان انتظار داشت که همه مردم بتوانند خودشان راه و رسم و معنای زندگی آرمانی را پیدا کنند. یک نظریه جامع باید همانطور که به لحاظ ساختاری و شکل راهنمایی عقلانی عرضه می‌کند، باید به لحاظ محتوایی نیز راهنمایی کامل و کافی داشته باشد.

۱۰.۶ نگاه سطحی و ایجاد معنای زندگی حداقلی

معنویت مدرن با بیان مؤلفه‌های زندگی آرمانی مانند خوش بودن، خوب بودن و ارزشمند بودن، معنای زندگی را برای شهروندان تقلیل داده است و به اهداف متعالی انسان توجه چندانی نشان نمی‌دهد. معنویت مدرن با داشتن مبانی مطرح شده و متأثر بودن از دنیای غرب، بیشتر به فکر ایجاد یک نوع آرامش و آسایش سطحی برای انسان‌های معاصر می‌باشد اما خلقت انسان دارای ابعاد متعدد و متنوع می‌باشد و انحصار توجه به بعد فیزیکی و این دنیای او نمی‌تواند معنای زندگی جامعی برای او ترسیم کند. از باب نمونه شاید مسأله شادی و سرور در معنویت دینی و معنویت مدرن هر دو مدنظر و مهم باشد و برای ایجاد معنای زندگی خوش لازم باشد اما شادی و سرور سطحی معنویت مدرن کجا؟ و شادی و سرور معنویت دینی که در طی تقرب به خدای تعالی و سعادت و حقیقت عالم، کجا؟ بسیاری از انواع و مراحل شادی و سرور پایدار برای انسان پیرو و در ظل منابع دینی و اجرای آنها برای انسان دست یافتنی می‌شود؛ اما معنویت مدرن با کنار گذاشتن و یا بی‌توجه به ادیان الهی، انسان را از آن همه مواهب، محروم کرده است. (صادقی، ۱۳۸۹: ۳۴)

انسان معاصر به دنبال معنای زندگی‌ای است که در تمام مراحل زندگی و شرایط مختلف به او کمک و یاری برساند. خیلی از مشکلات انسان معاصر، دیگر مسائل مادی و دغدغه آسایش نیست بلکه انسان معاصر از درون و گرایش‌های فطری خود به دنبال معنویت و معنای زندگی جامع و صحیح می‌باشد؛ لذا معنویت مدرن با این نگاه حداقلی به زندگی و معنای آن و ارائه راهکار منحصرأ عقلی نمی‌تواند انسان را حقیقتاً راضی و آسوده کند.

۷. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر نقاط قوت و ضعف معنویت مدرن در معنای زندگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که در معنویت مدرن زندگی دارای معنا بوده و از هدف و ارزش برخوردار است؛ ولی از آنجایی که در این نوع معنویت مانند معنویت دینی وجود مطلقمانند خداوند به زندگی معنا نمی‌دهد؛ بنابراین همه چیز نسبی بوده و این خود انسان است که نوع هدف یا ارزش زندگی را تعیین می‌کند؛ بنابراین معنویت مدرن دارای ضعف‌هایی مانند: عدم جامعیت، نگاه سطحی به زندگی، عدم شمولیت... است. به طور کلی؛ معنویت مدرن یا پروژه عقلانیت و معنویت، با داشتن امتیازاتی مانند تأکید بر عقلانیت مدرن، ملاحظه شرایط انسان مدرن، دغدغه کاهش درد و رنج انسان مدرن، طراحی ایجاد زندگی همراه با خوشی، خوبی و ارزشمندی، لازم دانستن زندگی همراه با فهم و تشخیص هر فرد، برابری طلبی، پرهیز از جزم‌گرایی و ... در وهله اول جهت ایجاد معنای زندگی جذاب، معقول و کارآمد به نظر می‌رسد؛ اما با تأمل و بررسی دقیق لوازم پروژه و روشن شدن چالش‌ها و نقاط ضعف اساسی آن، این تصویر اولیه از معنویت مدرن از بین می‌رود؛ بنابراین معنویت مدرن در بحث معنای زندگی به حداقل‌ها اکتفا کرده است و بیشتر رویکردی پراگماتیستی دارد که نوعاً روشی تسکینی و تخدیری برای انسان می‌باشد. معنویت مدرن با این ساختار قطعاً نمی‌تواند برای انسان شادی، آرامش و امید پایدار و حقیقی و سازنده به ارمغان آورد. این معنویت نمی‌تواند باعث کاهش درد و رنج انسان شود و چه بسا ممکن است با محتوای خود، درد و رنج و سردرگمی انسان را بیشتر کند.

کتاب‌نامه

ابک، حمید رضا (۱۳۸۳)، «مقاله جستارهایی در نظریه معنویت»، مجله راهبرد، ش ۳۳.

ارزیابی معنویت مدرن در معنا بخشی زندگی انسان (مهدی نعمتی و سید سجاد جعفری) ۲۳

- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۹)، فرهنگ واژه ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- بیات، محمد رضا (۱۳۹۰)، دین و معنای زندگی در فلسفه تحلیلی، قم: انتشارات ادیان و مذاهب.
- تورسن، کارل ای. و دیگران (۱۳۸۳)، «معنویت دین و بهداشت»، نقد و نظر، شماره ۱ و ۲.
- جعفری هرندی، محمد (۱۳۹۰)، نقد معنویت مدرن از نگاه روشنفکران دینی، چاپ اول، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران.
- رحمانی اصل، محمدرضا (۱۳۸۹)، «تحلیل و بررسی ابعاد گوناگون معنای زندگی»، نشریه معرفت، ش ۱۵۸.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶)، مدارا و مدیریت، تهران: صراط.
- _____ (۱۳۸۵)، بسط تجربه نبوی، تهران: صراط.
- _____ (۱۳۷۷)، رازدانی، روشنفکری و دینداری، چاپ چهارم، تهران: صراط.
- صادقی، هادی (۱۳۸۹)، «اندیشه شناخت»، ملکیان، مجله معرفت کلامی، پاییز ۱۳۸۹، ش ۳.
- کرگور، سورن (۱۳۷۴)، مجله: نقد و نظر، ترجمه مصطفی ملکیان، - شماره ۳ و ۴.
- کینگ، اورسولا (۱۳۸۳)، «معنویت» ترجمه علیرضا شجاعی، هفت آسمان، شماره ۳.
- کیو پیت، دان، (بی تا)، دریای ایمان، تهران: طرح نو.
- مجتهد شیبستری، محمد (۱۳۷۵)، نقدی بر قرائت رسمی از دین، تهران: طرح نو.
- _____ (۱۳۷۹)، ایمان و آزادی، تهران: طرح نو.
- _____ (۱۳۷۹)، میز گرد دین در دور نمای فرهنگی جهان، فرهنگ نامه، ش ۹۰.
- _____ (۱۳۷۹)، هرمنوتیک کتاب و سنت، تهران: طرح نو.
- معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ معین، ج ۳، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱)، سنت و سکولاریسم، تهران: صراط.
- _____ (۱۳۸۱)، «معنویت، گوهر ادیان» - پرسش‌هایی پیرامون معنویت»، مجموعه مقالات سنت و سکولاریسم، تهران، صراط.
- _____ (۱۳۸۱)، «مقاله زندگی اصیل و مطالبه دلیل». پژوهشنامه متین، تابستان و پاییز، ش ۱۵ و ۱۶.
- _____ (۱۳۸۲)، معنای زندگی، سلسله جزوات درس گفتاری، تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
- _____ (۱۳۸۵)، «سازگاری معنویت و مدرنیته» مجله بازتاب اندیشه، شماره ۷۷.
- _____ (۱۳۸۵)، مهر ماندگار، تهران: معاصر.

_____ (۱۳۸۹)، مشتاقی و مهجوری، نگاه معاصر.

_____ (بی تا)، راهی به رهایی، تهران: نگاه معاصر.

_____ (۱۳۸۹)، حدیث آرزومندی، نگاه معاصر.

نوریان، مهدی (۱۳۸۳)، «اینجایی و اکنونی زیستن از مؤلفه‌های زندگی معنوی با عنایت به سخنرانی مصطفی ملکیان» اصلاح و تربیت، سال سوم، اسفند ۱۳۸۳، ش ۳۶.
وست، ویلیام (۱۳۸۳)، «روان‌درمانی و معنویت». ترجمه دکتر شهریار شهیدی و علی شیرافکن، تهران، رشد.

Ayer, A. j , “ the claims pf philosophy” , the meaning of life , 2 nded , E.D. klemke , oxford university press , 2000.

Edwards, paul, “meaning and value of life”, the encyclopedia of philosophy,,: paul Edwards. (New York; mc Millan , 1967), vol. 4.

Hepburn, R.W. , “ questions about the meaning of life : , the meaning of life , 2nded . , ed. : E.D. klemke, oxford university press , 2000.

Metz, Thaddeus, “ recent work on the meaning of life “ , ethics 112 (july 2002) , pp.781-819.

